

توسعه شهری پایدار

رستم صابری فر*

کنونی از توسعه و روشهای مورد استفاده برای دستیابی به آن، ناقص و در مواردی متناقض است. مثلاً، شکاف آشکار بین کشورهای فقیر و غنی و حتی بین گروههای درون یک کشور واحد نه تنها کمرنگ نیست، بلکه عمیق تر می شود. حتی اگر وضعیتی را تصور کنیم که در آن، تا سال ۲۰۵۰، جمعیت تثبیت شده باشد و تمام کشورها به سطوح رضایت بخشی از تولید ناخالص داخلی دسترسی پیدا کرده باشند، آیا می توان با اطمینان درباب زیست بومهای زمین - که باید به نحو فزاینده ای جوابگوی نیازهای جوامع باشند - و نیز در خصوص ظرفیتهای طبیعی زیست محیطی برای جذب مواد زاید اظهار نظر کرد؟ روند در حال رشد آگاهی در رابطه با چالشهایی که هم اکنون در مورد اندیشه سنتی توسعه دیده می شود، تمایل فزاینده ای را برای پذیرش یک مفهوم نو (توسعه پایدار) به وجود آورده است؛ توسعه ای که در پی حفاظت محیط زیست است و عدالت اجتماعی را به همراه دارد. این عبارت

چکیده: این مقاله، پژوهشی است در باب مفهوم توسعه پایدار با تأکید بر توسعه و چشم اندازهای شهری. توسعه پایدار به معنای حرکت بر محور انسان- محیط است. این نوع توسعه امکان بهره مندی عادلانه مردم از پیشرفتهای اقتصادی- اجتماعی، حفظ و توسعه محیط و پایداری و جامعیت توسعه را در پی دارد. به طور کلی، توسعه پایدار ایجاد توازن بین پیشرفت اقتصادی، اجتماعی بلندمدت با محیط است. توسعه پایدار در محیطهای شهری، که در حال حاضر بخش عمده ای از جمعیت را به خود اختصاص داده است و معمولاً سطح مصرف و آلودگی در آن بسیار بالاتر از محیط زیستی دیگر است، اهمیت بیشتر پیدا می کند. به همین دلیل، این مقاله، ضمن تأکید بر این عوامل، راهکارهای دستیابی به اهداف توسعه پایدار را می کاود.

کلیدواژه: جمعیت و آلودگی، توسعه پایدار، محیط زیست، مسائل شهری، کشورهای در حال توسعه.

مقدمه

واقعیت آن است که روند کنونی توسعه نمی تواند جوامع انسانی را به آرمانها و آرزوهای واقعی شان برساند. برداشت

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز فردوس.

درصد از مسافت کره زمین را اشغال کرده و حدود نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده بودند. جمعیت شهری دنیا در هر سال ۵۵ میلیون نفر افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۰ جمعیت شهری دنیا به ۷۵ درصد کل جمعیت برسد. نرخ رشد سالانه جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه با حدود ۵ درصد همچنان رو به افزایش است. به طور کلی تمامی شهرهای دنیا به نوعی با مشکلات زیستی و اجتماعی مواجه هستند. شهرها، مصرف‌کنندگان اصلی منابع طبیعی و تولیدکنندگان و پخش‌کنندگان عمده آلودگیها هستند؛ از این رو، بحرانی اجتماعی و زیست‌محیطی به شمار می‌روند. این در حالی است که اگر روند مصرف و اتلاف منابع برای تمامی جمعیت جهان (شهری و روستایی) ادامه پیدا کند، مشکلات موجود بیشتر و بیشتر خواهد شد. رفع این معضل و افزایش سطح رضایت در گرو روند توسعه‌ای است که نه تنها بهره‌وری کنونی را بالاتر برد، بلکه همسو با منافع نسلهای آینده گام بردارد.

به رغم مسائل یادشده و با چشم‌پوشی از چگونگی توسعه کنونی شهرها، هنوز بعضی از موضوعات ذیل بررسی توسعه پایدار، مستقیماً، به شهرها موبوط می‌شوند. این موضوعات عبارت‌اند از: توسعه پایدار از طریق برنامه‌ریزی کاربری زمین، زنده‌سازی مجدد شهر، ساختمانهای پایدار، انرژی و شکل شهر، حمل و نقل پایدار، انتشار آلودگی و شکل شهر و به خصوص، نقش تراکم در رسیدن به پایداری.

مقدمه‌ای است در معرفی اندیشه‌ای که پارادایم جدیدی در علم قلمداد می‌شود. از این تفکر منتقدین روش توسعه قبلی و نیز رهبران نهادهای توسعه امروزی استقبال کرده‌اند. توسعه واقعی یا همان اصطلاحی که از طرف بسیاری تحت عنوان توسعه پایدار پذیرفته شده است.

توسعه پایدار برای تمامی بخشهای جوامع انسانی ضرورتی غیرقابل انکار است، لیکن جوامع شهری، با توجه به شرایط و وضعیت کنونی، اولویت دارند؛ چراکه روند توسعه مناطق شهری در کل و به خصوص، در کشورهای در حال توسعه ابعاد بسیار وسیعی به خود گرفته است، به طوری که در سال ۱۹۶۰ سهم این گونه کشورها از ۱۹ کلان شهر در جهان ۹ منطقه شهری بوده است. در حالی که این تعداد در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ کلان شهر، از مجموع ۶۶ مادر شهر رسیده است (Lo, Fu-chen & ..., 1998:31). این توسعه بی‌رویه سبب شده است که بسیاری از برنامه‌ریزها پاسخگوی مشکلات متعدد نباشند و شهرها و ساکنان آنها را با تنگناهای متعددی چون گسترش بی‌حد ابعاد کالبدی، سلطه حرکت سواره، جدایی محل کار از مسکن، جدایی محل کار و محل گذران اوقات فراغت، دوری از طبیعت، کاهش فضاهای باز و با هویت، مواجه سازند. در واقع این نوع شهرها با شهر پایدار فاصله زیادی دارند. این در حالی است که شهرها پیوسته در حال تغییر و دگرگونی‌اند. چنانچه تغییرات شتابان و ناگهان شهرها با نیازها ناسازگار باشد، عکس‌العملها شدت می‌یابد. تغییر شتابان شهر، نیاز به اراده سیاسی دارد که اغلب با حضور و مشارکت و ابتکار عمل ساکنان مواجه می‌شود. این روند هم باید با توجه به پارادایم جدید سمت و سو پیدا نماید.

شهرها در آغاز قرن بیست و یکم، تقریباً دو

توسعه پایدار چیست؟

بدون شک در بررسی خصوصیات مهم توسعه‌یافتگی کشورها توجه به معیارهایی چون ویژگیهای جمعیت‌شناسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است. هر یک از این خصیصه‌ها نیز بدون مؤلفه‌هایی چون نرخ زاد و ولد و مرگ و میر، امید به زندگی، درصد جمعیت شهری و روستایی، وضعیت مسکن، شرایط اجتماعی و دسترسی به تسهیلات بهداشتی و میزان درآمد سرانه بی‌معنی خواهد بود (Whyune Hammond, 1985). البته در مؤلفه‌های اخیر همه اندیشمندان توافق ندارند. بعضی به رفاه انسانی توجه کرده و سیستمهای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را جامع همه شرایط فوق می‌دانند (Tata & Schultz, 1988). برای اساس، می‌توان مفاهیم توسعه پایدار را در برخورداری از وجوه مشترکی همانند موارد یادشده، جستجو کرد.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، و به طور مشخص از کنفرانس ریو، ضرورت بازنگری روال توسعه جهانی با نگرش توسعه پایدار پذیرفته شد؛ توسعه‌ای که نیازهای کنونی را، بدون کاستن از توانایی نسلهای آتی در برآوردن نیازشان، پاسخگو است (WCED, 1987). توسعه پایدار به مقابله با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعت می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط زیست می‌انجامد و تنها فرایند توسعه‌ای را تأیید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسانها در حد ظرفیت پذیرش نظامهای پشتیبان حیات منجر شود.

باری، طرح موضوع توسعه پایدار قداست رشد را شکست و به عدالت بین نسلها، وابستگی بی‌چون و چرا به طبیعت، برتری کیفیت توسعه بر کمیّت رشد، کل‌گرایی و توانمندسازی اجتماعات به همراه ارزشهای معنوی و انسانی تأکید ویژه‌ای کرد (Shepherd, 1998). به همین دلیل

مطالعات شهری جهت‌گیری دیگری پیدا کرد. برنامه‌ریزان شهری از توجه صرف به جنبه‌های کالبدی ابعاد دیگری را نیز مورد توجه قرار دادند. یکی از آنها هماهنگی بیشتر با طبیعت و گرایش به سوی بوم‌گرایی بود.

بوم‌گرایی به جای نوگرایی

تجربه ناموفق روش توسعه کنونی، به خصوص در شهرها، سبب شده است که مفهوم نوگرایی و تغییر همه ابعاد، که تنها مسیر دستیابی به تعالی تلقی می‌شد، از بین برود و بوم‌گرایی و هماهنگی با طبیعت ارزش و اعتبار بیشتری کسب نماید. به همین دلیل، بوم‌شهر اصطلاح تازه‌ای بود که از طرف بسیاری از برنامه‌ریزان شهری پذیرفته شد. مفهوم بوم‌شهر، در برابر شهر نوگرا قرار می‌گیرد. از ویژگیهای شهر نوگرا، حجم زیاد ورودی به شهر در برابر حجم زیاد خروجی از شهر، بدون ملاحظات بومی و طبیعی آن است. مراد از بوم شهر، ایجاد شهری با ورودی کمتر از مصالح و مواد و خروجی کمتر از مواد زائد و ضایعات و آلودگیهاست (ترنر، ۱۳۷۶).

ضرورت توسعه پایدار شهری

شهر پدیده‌ای چندبعدی و پویاست که پیش‌بینی و برنامه‌ریزی دقیق و کامل برای تمام عناصر آن، نه ممکن و نه لازم است. بر این اساس، برنامه‌ریزی یک علم یا فن واحد نیست، بلکه فرایندی طولانی و پیچیده از کارکردها و روابط متقابل نظامهای مختلف شهری است. در این دیدگاه، به جای تأکید بر ابعاد شکل توسعه کالبدی، بیشتر توجه به اهداف درازمدت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هماهنگی آنها با اهداف توسعه کالبدی است و می‌کوشد که

ضرورت توجه به توسعه پایدار و گرایش به سوی توسعه پایدار شهری تنها راه مناسب در طرحها و برنامه‌های شهری معرفی شد و از این پس نگرشهای تک‌بعدی و رشدگرا جای خود را به توسعه معقول و در یک کلام، توسعه پایدار داد.

اما توسعه پایدار شهری، به عنوان جزئی از توسعه پایدار، بر پایه استفاده معقول از منابع طبیعی (آب، زمین، هوا و ...) استوار است و توسعه شهری نیز، به عنوان جزئی از سیاستهای توسعه ملی، می‌تواند و باید در خدمت رشد اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی قرار بگیرد. در واقع طرحها و برنامه‌ریزیهایی که در این زمینه تهیه و اجرا شده‌اند، نتوانسته است، به طور دقیق، به تمام جوانب کار توجه داشته باشد؛ چرا که توسعه پایدار با مدیریت مسئولانه منابع ایجاد خواهد شد تا ضمن برآوردن نیازهای نسل کنونی از منافع نسل آینده نیز محافظت شود. چنین روندی مبارزه‌ای جانانه برای افراد و جوامع است و باید هرچه زودتر واقع شود؛ زیرا مسامحه و تصمیم‌گیری را دشوارتر خواهد ساخت (پیام یونسکو، ۱۳۷۱: ۱۶).

چگونگی دستیابی به توسعه شهری پایدار

سنگ بنای پایداری شهری این باور است که شهر همچون نظامی باز متکی به جریان عظیم ورودی مواد و انرژی از بوم کره است و تمامی آنها به صورت ضایعات در نهایت به خارج جریان می‌یابد (Rees, 1997: 306). بر اساس نظر ویلیام رینر، جریان داده و ستانده‌های اقتصاد شهر جریان خطی و یک سویه مواد و انرژی موجود در طبیعت به اقتصاد شهرهاست که در واقع پایداری محدود مکان‌شهر را از طریق ایجاد ناپایداری دراز مدت در عرصه‌های گسترده محیط خارج از خود به دست می‌آورد (همانجا). پیش‌نیاز رشد پایدار، پایداری عرصه گسترده‌ای است که

«کلیت»، سرزندگی، تنوع و زیبایی را که در شهرسازی مدرن کم‌رنگ شده دوباره به شهرها بازگرداند. برنامه‌ریزی براساس دیدگاههای پویا و جامع‌نگر، بر شناخت روندها، امکانات، مشکلات و نیازهای واقعی و اساسی شهر مبتنی است. بنابراین، نه تسلیم وضع موجود می‌شود و نه به دنبال اهداف بلندپروازانه و غیرعملی می‌رود. در واقع، روند تحول و رشد طبیعی و درون جوش، هدایت شهر را به سوی تعادل تسهیل می‌کند.

با توجه به اینکه پیامدهای زیان‌بار به اصطلاح توسعه، تابعی از متغیرهای جمعیت، سرانه و الگوی مصرف است، شهرنشینان عامل تعیین‌کننده‌ای در این پیامدهای جهانی‌اند (صرافی، ۱۳۷۵: ۳۸-۴۴)؛ زیرا جمعیت شهرنشین جهان از مرز ۵۰ درصد عبور کرده است و سرانه مصرف در شهر به مراتب بیش از روستاست و الگوی مصرف شهرنشینان نیز در مقایسه با الگوی مصرف روستاییان با طبیعت سازگارتر است.

چنانکه گذشت، پایداری شهری مفهومی است که در پی طرح توسعه پایدار به عنوان پارادایم جدیدی در جهان مطرح گردید. ریشه‌های نگرش توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی-اقتصادی در شهرها از نظر اکولوژی (بوم‌شناسی) برمی‌گردد. از اوایل دهه ۷۰ میلادی، جنبشهای گسترده‌ای با حساسیتهای زیست محیطی بر ضد توسعه متداول شهرها در کشورهای شمال به راه افتاد (Seits, 1995). در همین سالها، نگرانی به پایان رسیدن برخی از منابع عمده و اصلی در رشد صنعتی، به نگرانیهای مربوط به آلودگی آب و هوای شهرها افزوده شد و به تدریج، درکی محدود از محدودیتهای رشد در بیوسفر پدید آمد. همین روند

جمعیت، تنزل کیفیت محیط، ناکافی بودن سیستمهای انرژی، کاهش اشتغال، مهاجرت از صنعت و خدمات و عدم توازن در ترکیب اجتماعی دموگرافیکی تشخیص داد، تغییر این روند و یا لاقل تقلیل اثرات نامناسب و زیان‌آور آنها حرکت در مسیری است که توسعه پایدار نامیده می‌شود.

مصرف منابع و دفع فاضلاب و مواد زائد شهری نه تنها در حومه تأثیر می‌گذارد، بلکه تأثیر زیست‌محیطی آن در سطح کره زمین نیز قابل توجه و باقی خواهد بود. در چنین حالتی ممکن است تضادهایی بین پایداری در سطوح مختلف یا بین اهداف راهبردی و محلی آشکار شود. هماهنگی بین این سطوح و پذیرش مسئولیت به مانند سهم بودن در ایجاد مشکلات توسعه پایدار با تمام ابعادش خواهد بود.

برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار

ورود دولتها و اندیشمندان مختلف به صحنه کارزار مقابله با معضلات شهری، به دلیل روحیه حاکم در شهرها که ناشی از خوی و رقابت سرمایه‌داری مهار نشده و بین‌المللی شدن سرمایه بود، سبب پیدایی فضای جغرافیایی و چشم‌اندازی جدید در شهرها شد و شهرهای دوقطبی را به وجود آورد. بروز این معضل در کشورهای جهان سوم، به سبب پیرامونی بودن، بیش از پیش بود. این امر سلسله مراتب نظام سکونت‌گاهی را به هم ریخت و سبب ظهور شهرهای مسلط گردید. در نتیجه، تمرکز جمعیت در این‌گونه شهرها، تمرکز عملکردها (خدمات و صنعت) و تمرکز امکانات، اشتغال و، به ویژه تمرکز قدرتهای سیاسی و اداری را در پی داشت و سرانجام، سبب تسلط کامل اقتصادی-اجتماعی بر کل شبکه شهری و پیدایش یک شبکه شهری زنجیره‌ای گردید. این امر مشکلات جمعیت‌های ساکن در

جایگاه نظامها پشتیبان حیات آن است. بر این اساس پایداری شهری با سلسله مراتب فضایی از سطح جهانی تا سطوح منطقه‌ای و محلی پیوندی تنگاتنگ دارد (Mitlin, & Satterthwaite, 1996: 23 – G1).

شهر پایدار برآمده از فرایند توسعه‌ای است که ذهنیت و امکان ارتقای همیشگی سلامت اجتماعی - اقتصادی بوم‌شناسانه شهر و منطقه آن را فراهم کرده و این ذهنیت و امکان را به عینیت و اقدام مبدل ساخته است.

اگرچه شهرها، تولید و مصرف را متمرکز ساخته و الگوهای ناسازگار با طبیعت را اشاعه داده‌اند، همین شهرها در محیط تمدن‌ساز خود بزرگ‌ترین نوآوریها و ظرفیتهای تحول را فراهم آورده‌اند. از همین ظرفیت می‌توان بهره برد و این چشم‌انداز تیره و تاری را که هم اکنون، از روشهای قبلی، فراروی شهرها ایجاد شده، به نحو مناسبی، تغییر داد. یکی از جنبه‌هایی که تاکنون نادیده گرفته شده و یا لاقل در حد نظریه باقی مانده است، مشارکت مردم است؛ چراکه بدون مشارکت مردم، حتی اگر امکان ساخت شهری زیبا و سالم فراهم شود، حفظ و نگهداری آن، اگر نگوئیم غیرممکن، لاقل بسیار هزینه‌بر خواهد بود. شهر پایدار به شیوه‌ای مردم سالارانه و از پایین ساخته خواهد شد و بسیاری از علل تعیین‌کننده در معلول عدم تعادل بوم‌شناسانه محیط‌های شهری را باید در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی ردگیری کرد. پژوهشها نشان می‌دهد که فقر شهری همچنان در حال گسترش است (Satterthwaite, 1995: 17/iii- xii)؛ و این امر، به ویژه، دامنگیر آنهایی است که در نامناسب‌ترین مکانهای شهر استقرار یافته‌اند.

با توجه به اینکه شهر ناپایدار را می‌توان از راه کاهش

سازگاری و انطباق با اصول و استانداردهای بوم‌شناختی آن است (Roggema, 1998).

هدف نهایی در برنامه‌ریزی اعتلای کیفیت زندگی شهری و ارتقای فرهنگ شهرنشینی است (نک: نگرشی بر روشهای جدید برنامه‌ریزی: ۱۰). به همین دلیل در تمامی مراحل بررسی، تحلیل و تصمیم‌گیری، تأکید بیشتر بر تلفیق روشهای کیفی-کمی است. بر این اساس، تمامی مراحل کار به صورت روند کار سیستمی و پیوسته انجام می‌شود.

سیاستها و راهکارهای دستیابی به توسعه شهری پایدار
با توجه به آنچه که گذشت، برخی از مهمترین سیاستها و راهکارهایی که می‌توان به کار برد عبارت‌اند از:

۱. به حداقل رساندن پیامدهای زیست‌محیطی منفی الگوهای تولید، توزیع و مصرف شهری برای ساکنان و منطقه؛
۲. به حداقل رساندن مصارف منابع تجدیدنپذیر و جایگزین ساختن تدریجی آنها با منابع تجدیدشدنی؛
۳. تنظیم بهره‌برداری از منابع تجدیدشدنی، متناسب با نرخ باز تولید آنها (Hardoy, 1992).

راهکارهای اجرایی برای دستیابی به این سیاستها
عبارت‌اند از:

۱. کاهش اتکا به خودرو شخصی؛
۲. افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری؛
۳. حفاظت و احیای نظامهای طبیعی در شهر و منطقه پیرامون آن؛
۴. کاهش مصرف منابع و تولید آلودگی در شهر و منطقه پیرامون آن؛

این‌گونه سرزمینها را دوجندان ساخت.

شهرهای سازگار با طبیعت قلمرو زندگی کسانی است که از دستاوردها و مواهب علوم و تکنولوژی روز برای ترقی و پیشرفت همه‌جانبه شهر خود بهره می‌گیرند و در عین حال، از هماهنگی با پدیده‌های متعادل و وابسته طبیعی جهان نیز غافل نمی‌شوند.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که روشهای به کار رفته، تاکنون، نتوانسته است ما را به توسعه شهری پایدار هدایت نماید. از این‌رو، بازنگری در این روشها و توجه به مؤلفه‌های جدید یکی از پیش‌نیازهای اصلی نگرش دوباره به توسعه شهر خواهد بود. باید توجه داشت که در شهرها، به عنوان یک محیط زیست مصنوع انسان، تنها به الگوها و راه‌حلهای تجربی نمی‌توان بسنده کرد؛ بلکه باید در تمامی مراحل متغیرهایی چون تصمیمات انسانی را مدنظر قرار داد و به دیدگاههای جدید برنامه‌ریزی شهری، مانند طرح راهبردی، طرح توسعه و عمران، طرح ساختاری و طرح عمومی و طرح راهنما (صابری‌فر، ۱۳۷۶: ۱۰) توجه کرد. با توجه به خصلت چندرشته‌ای و میان‌دانشی بودن برنامه‌ریزی شهری، مبانی فلسفی و علمی همه این الگوها به دانشهای عام و فرارشته‌ای، مانند نظریه سیستمها، نظریه سبیرتیک و نظریه ارتباطات برمی‌گردند. جوهره همه آنها بر کل‌نگری و نگرش سیستمی استوار است که بر شناخت یکپارچه عناصر و ارتباطات اصلی و روندها و نیروهای کمی و کیفی مؤثر بر حیات شهر، به جای بررسی تفصیلی اجزا و واحدهای جدا از هم، تأکید و اصرار می‌ورزد (گل‌آرا، بی‌تا: ۵). در چنین شرایطی طراحی ابعاد کالبدی شهر پایدار، بدون ملاحظات زیست‌محیطی، امکان‌پذیر نخواهد بود و در گرو

۵. بهبود زیست‌پذیری اجتماعات بشری؛

۶. پایداری و تقویت اقتصاد شهری؛

۷. اصلاح نظام اداری و حکمرانی شهر.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در تفکر توسعه پایدار، شهر پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و پویاست که پیش‌بینی و برنامه‌ریزی دقیق و کامل برای تمام عناصر آن نه ممکن است و نه لازم. براین اساس، برنامه‌ریزی یک علم و یا فن واحد نیست؛ بلکه فرایندی طولانی و پیچیده از کارکردها و روابط متقابل نظامهای مختلف شهری است.

توسعه پایدار بیش از همه بر معیارهای کیفی و انسانی، آسایش عمومی، عدالت اجتماعی و غنای فرهنگی تأکید دارد. این دیدگاه می‌کوشد که کلیت، سرزندگی، تنوع و زیبایی را که در شهرسازی مدرن کم‌رنگ شده دوباره به شهرها بازگرداند. بنابراین، در این دیدگاه، سیاستهای کلان کاربری زمین، حمل و نقل، شرایط محیط زیست و رفاه اجتماعی تشریح می‌شود و روند تحول و رشد طبیعی و درون‌جوش شهر را به سوی تعادل هدایت و تسهیل می‌کند. به علاوه، خواسته‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم را پاسخ می‌گوید و زمینه مشارکت و تحرک آنان را فراهم می‌آورد. البته مشارکت یک ظرفیت بالقوه وسیع اجتماعی و ناشناخته است که لازم است روشهای مناسب بهره‌گیری از آن در عرصه‌های مختلف مطالعه و شناسایی شود. برای تحقق مشارکت مردم در امور شهر، لازم است که میان روند برنامه‌ریزی و روند مشارکت پیوندی استوار و مستمر برقرار گردد. از این دیدگاه، مدیریت شهری شامل عرصه‌های مختلف مدیریت راهبردی، مدیریت

اجرایی و مدیریت ارزیابی خواهد بود. در این حال اسناد طرح، به صورت ساده، روشن و قابل فهم برای همگان تدوین و برای آگاهی، اظهار نظر و مشارکت عامه مردم منتشر می‌گردد، که نخستین پایه جلب علاقه و مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری است. این نوع برنامه‌ریزی به حفظ کلیت شهر و ایجاد تعادل پویا میان روندهای اصلی توسعه کالبدی و روندهای اجتماعی درازمدت نظر دارد و برنامه‌ریزی برای زمینه‌های فرعی و جزئی را به شرایط خاص زمانی و مکانی آنها و تحول تدریجی واگذار می‌کند. زندگی در شهری پاکیزه و تمیز و بدون آلودگی با حمل و نقل مناسب، جاده‌های قابل دسترسی سریع، داشتن فضای سبز مطبوع و جهت‌گیری منطقی برای توسعه و اعمال مدیریت شهری به صورتی که از فرآورده به فرایند برسیم در گرو پذیرش متقابل حقوق و مسئولیتهای میان شهروند و شهر است؛ چرا که مقوله پایداری در پیوندی قومی با تحولات قدرت و عدالت قرار می‌گیرد. چنان که دیوید هاروی عدالت اجتماعی و تعادل زیست محیطی را لازم و ملزوم یکدیگر برمی‌شمرد و تحقق هیچ‌یک را بدون دیگری ممکن نمی‌داند (Harvey, 1996).

منابع

- ترنر، تام (۱۳۷۶)، شهر همچون چشم‌انداز، ترجمه فرهاد نوریان؛
 صرافی، مظفر (۱۳۷۵)، «توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری»،
 مجله معماری و شهرسازی، شماره ۳۵؛
 پیام یونسکو (۱۳۷۱)، «شهروند و محیط زیست»، شماره ۲۵۸؛
 صابری‌فر، رستم (۱۳۷۶)، «پیش‌نویس طرح سایت بیمارستان دامی مشهد؛
 مهندسين مشاور سازآب شرق»؛
 گل‌آرا، رضا (بی‌تا)، مقالات و پیشنهاداتی در زمینه مشکلات مبتلابه
 شهرهای بزرگ، شهرداری مشهد؛
 نگرشی بر روشهای جدید برنامه‌ریزی (بی‌تا)، بی‌جا؛

Annals Of The Association Of American Geographers
78:580-593;

Hardoy, J. et al (1992), *Environmental problems in Third World cities*, Earthscan, London;

Harvey (1996), *Justice, Nature & Geography of Difference*, Black Oxford;

Lo, Fu-chen Yue-man Yeung (1998), "Globalization and the world of large cities", *United Nations*, University Press, Tokyo;

Mitlin, D. & Satterthwaite, D. (1996), sustainability, Cough (ed);

Rees, W. E. (1997), "Is sustainable city an oxymoron?", *Local Environment*. Vol. 2, no.3, D.3.4;

Roggema, R. (1998), *Dioc, the ecological city* Technical

university, Delft, the Netherlands;

Satterthwaite, D. (1995), "The under estimation of urban poverty and of its health consequences", *Third World planning review*, Vol. 17, no. 4;

Seits, J. L. (1995), *Global Issues*, Blackwell, Cambridge;

Shepherd, A. (1998), *Sustainable Rural Development*, Mac Millan, London;

Tata, Robert and Schult, R. R. 1988, *World Variation In Human Welfare: A New Index Of Development Status*;

WCED(1987), *our common future Report of the world commission on Environment and development*, Oxford university press, Oxford;

Whyne Hammond, Charles (1985), *Elements of Human Geography*, England. ■